

«بهار و پاییز مشهد بسیار زیباست اما مدت آن کوتاه است به طوری که زائر مسلمان در هر فصل سال و از هر راهی که به این شهر سفر کند ناگزیر با یک سلسله محرومیت‌ها و خطرهای روبه‌رو می‌شود که جاذبه‌های مشهد را به چشم او زیباتر جلوه می‌دهد. هر شب همین که پرتو انوار خورشید از شهر رخت برمی‌بندد مناره‌های طلایی دو طرف دره‌ای آرامگاه امام رضا (ع) با فانوس‌های فراوان روشن می‌شود. مودن‌ها با خواندن دعایی طولانی و آهنگین که تنها در خراسان متداول است مسلمانان را به نماز شب فرامی‌خواند و قیلان‌چی‌ها که در این‌جا جانشین قهوه‌چی‌های قسطنطنیه هستند با برخاستن بانگ اذان چراغ مغازه‌های خود را روشن می‌کنند. شهر مشهد در خطی مستقیم و به شکل مستطیل گسترش یافته و محور بزرگ آن از مغرب به مشرق کشیده شده است. کانال نسبتاً عرضی در همین جهت طول شهر را طی می‌کند. دو طرف این کانال درختکاری شده و کناره‌های آن دو خیابان از زیباترین خیابان‌های شهر را تشکیل می‌دهد».

او سپس به محدودیت‌ها و جذابیت‌های این بارگاه و شهر مذهبی می‌پردازد «منطقه حرم در شهر مشهد مورد ستایش و احترام است که خود مسلمان‌ها جرات ندارند با اسب داخل آن شوند. ورود به این محوطه برای مسیحیان و یهودیان و هندوها ممنوع است. غنی‌ترین بازارها و کاروان‌سراها و مشهورترین حمام‌ها و بالاخره مدرسه‌هایی که از موفقات بیشتری برخوردار است در این بخش شهر قرار دارند. تعیین تعداد زائرانی که هر ساله به مشهد سفر می‌کنند غیر ممکن است اما هر روز در آسپزخانه حضرتی حدود ۷۵۰ کیلو برنج میان زائران مستحق توزیع می‌شود».

نکته‌ای که خانیکوف در سفرنامه خود اشاره می‌کند و قابل توجه می‌نماید، کتابخانه حرم است «قدیمی‌ترین کتابهای هدیه شده از طرف شاه عباس و شاه سلطان حسین بوده است. در کتابخانه امام تعداد ۲۹۹۷ اثر در ۳۶۵۴ مجلد و ۶۴ سند در یکصد طومار موجود است که شامل همانه‌ها، وقفنامه‌ها و غیره است. برخی از نسخه‌های خطی از نظر ابعاد بسیار بزرگ و از لحاظ زیبایی کوفظ نیز هستند». او سپس به امکاناتی اشاره می‌کند که پیرامون حرم برای اهالی مشهد پدید آمده است «در محله مقدس تقریباً تمامی خیابان‌ها و کوچه‌ها سنگفرش است و در همه جا سطح خیابان‌ها و کوچه‌ها بالاتر از سطح حیاط منزل است».

این جهانگرد روس سپس، دیگر بخش‌های شهر را توصیف می‌کند «در حومه شهر به ویژه در شمال درختکاری‌های بسیار دیده می‌شود. آب مشهد خوب نیست و در بازار قدیمی واقع در مرکز شهر مسجدی است به نام مسجد شاه. ... در شمال محله مقدس بقعه مدرسه سساده‌ای برپا شده که به نام پیر پالان دوز شهرت دارد و کتیبه‌ای این بنا نشان می‌دهد که ساختن آن به فرمان سلطان محمد خدابنده در سال ۹۸۵ هجری ساخته شده است. ... مشهد چهارده مدرسه دانشگاهی دارد. قدیمی‌ترین آن مدرسه دو در است. کتیبه آن نشان می‌دهد که این مدرسه در دوره سلطنت شاهرخ به سال ۸۲۳ هجری تاسیس شده است. تعداد شاگردان این مدارس خیلی زیاد نیست و هیچ یک از مدرسان آن‌ها نیز از شهرت زیادی برخوردار نمی‌باشند» یک نکته در این مدرسه‌ها اما توجه خانیکوف را به خود می‌کشاند «در مدارس این شهر پیش از مدارس شهرهای دیگر به علم نجوم می‌پردازند» او سپس به یک بنای ویژه در پیرامون شهر اشاره می‌کند که پیشینه آن به دوره صفوی بازمی‌گشته است «در اطراف مشهد بناهای قدیمی وجود ندارد تنها بناهای قابل ذکر ویترانه‌های ساختمان باشکوه مصلی است که در زمان سلطنت شاه سلیمان در سال ۱۰۸۷ هجری ساخته شده است. بنای این مصلی به برگزاری مراسم نماز دو عید بزرگ اسلامی یعنی عید قربان و فطر اختصاص داشته. بقعه خواجه ربیع محل دفن معلم علی‌بن موسی الرضا در فاصله یک ساعت راه در شمال مشهد قرار دارد. این بقعه در سال ۱۰۳۱ هجری به دستور شاه عباس در محل خرابه‌های مسجدی قدیمی‌تر بنا شده است».



مشهد در دوره قاجار/عکس: لاس‌الکهارت

جهانگردان اروپایی و ایرانگردان چه تصویری از مشهد دوره قاجار را به داده‌اند

## نگین انگشتری فیروزه ایرانی

و نگاهی ترس‌آور روبه‌رو شده که موضوع را به کلی فراموش کرده است.

او سپس ویژگی‌های شهر را برمی‌شمرد «مشهد شش دروازه دارد. دروازه بالاخیابان در شمال، پایین خیابان، عیدگاه، نوغان، سراب و یک ورودی به آرگ آ. هر دروازه دوبرج دارد در مقابل هر دروازه خاکریزی بوده اما اکنون آثار آن ناپدید شده است. و در جای آن سساختمان‌هایی تعبیه کرده‌اند. وجه مشخص مشهد، [پایین] خیابان است که کاملا دربار و وضع جغرافیایی، راه‌های ارتباطی، روستاها و وضع زندگی روستائین آن زمان به دست دهد. مک‌گرگر در مشهد با راهنمایی فردی به نام عباس خان از دروازه وارد می‌شود «پس از پیچ‌وتاب خوردن در خیابان‌های باریک شهر سراسرتاجم خانه عباس خان که اصرار داشت فعلا مهمان او باشم رسیدیم». او مجبور شده بود پیش از آنچه می‌خواست است در مشهد بماند، زیرا تعمیر وسیله‌های زمان می‌برد و در کتابش تصریح می‌کند که کارگران ایرانی خیلی کند کار می‌کنند. او روایتی جالب از جایگاه حرم امام رضا (ع) در این شهر دارد «هر واقع مشهد چیزی ندارد که انسان به خاطر آن خواهد رفت دیدنش به این شهر سفر کند. تنها یک بنای آن به دیدنش می‌آرزد و آن حرم امام رضا (ع) است که اروپاییان اجازه ورود به آن ندارند. ... چشم‌انداز کلی حرم بسیار زیبا است بهترین منظره آن دروازه پایین خیابان دیده می‌شود. مشهد به جز اینها عمارت قابل توجهی ندارد و این واقعیت است همه جا پرست از خانه‌های گلی که بر بالای بعضی‌ها پایشان بادگیرهایی دیده میشود». این جهانگرد انگلیسی اشاره می‌کند که به بار اجناس رقتن به حرم را خواسته بوده اما با چنان مخالفت

### شاه ماجراجوی قاجار در مشهد

#### شربت حرم را نوشیدیم

نخستین سفر ناصرالدین شاه قاجار به مشهد به سال ۱۲۸۳ قمری بازمی‌گردد که شش ماه به‌درازا کشید و دومین آن در سال ۱۳۰۰ انجام گرفت که چهار ماه زمان برد. سفرنامه دوم‌شاه قاجار «سفرنامه خراسان» نام دارد؛ کتابی که میرزااحمد رضا کلهر خوش‌نویسی کرده‌ و از نظر نثر نوشتاری قابل توجه است.

ناصرالدین شاه در شرح سفر خود به سوی مشهد به این نکته اشاره می‌کند که با رسیدن به مشهد مقدس بی‌درنگ به صحن مطهر امام رضا (ع) می‌رود. ناصرالدین شاه روز چهارشنبه به مشهد رسیده، از دروازه بالاخیابان به شهر وارد می‌شود. او در نخستین گام به حرم مشرف می‌شود و پس از زیارت اشاره می‌کند که آیینه‌کاری‌ها و تعمیراتی تازه در صحن انجام شده بوده است. شاه قاجار سپس به مسجد گوهرشاد رفته، آنجا روی صندلی می‌نشیند و شربت‌ی حرم امام رضا (ع) می‌نوشد و سرانجام برای استراحت به باغ سالار می‌رود. او در بازدید خود از مسجد گوهرشاد اشاره می‌کند که وسط مسجد ستون‌های زیاد سنگی زده و جایی درست کرده‌اند که به مسجد پیرزن معروف است «گفته‌اند خانه‌ی پیرزنی در آن جا بوده است وقتی مسجد ساخته شده پیرزن هم آن جا را به اسم خود وقف کرده است. از مسجد گوهرشاد در می‌سوی بازار است و مثل بازارهای طهران سقف پوشیده دارد و بعد از آن هم وارد ارگ می‌شود». آقا میرزا احمد مجتهد، حاجی میرزا محمد مجتهد، ملا غلامحسین مدرس، میرزا علی‌نقی ترضیزی، از علمای مشهد روز شنبه به دیدار او می‌آیند. ناصرالدین شاه عصر به میدان توپخانه می‌رود؛ جایی که همه به نظم ایستاده بودند. ناصرالدین شاه در سفرنامه خود، به دارالشاهی حرم اشاره می‌کند که به دست شیخ‌الرییس ابوالحسن میرزا سپرده و او هم به محمدحاشم میرزا معین‌التولیه، برادر خود داده است. برنامه هر روز ناصرالدین شاه بر اساس زیارت حرم تنظیم شده است؛ این مساله را به روشنی در سفرنامه بیان می‌دارد. شاه ماجراجوی قاجار سپس از مشهد به سوی طبرک می‌رود. او در راه از آنکه سخنی می‌گوید و پس از آن به قاسم‌آباد می‌رسد و همچنین به دیدن معدن طلای خراسان هم می‌رود. شاه پس از بازگشت به مشهد، به کشیک‌خانه حضرت می‌رود که از بناهای عالی‌نقی میرزا رکن‌الدوله است. شاه و همراهان‌اش از آنجا به کتابخانه حضرت می‌روند که حاجی سیف‌الدوله در اوقات متولی‌گری باشی خود ساخته است. شاه در سفرنامه خود بیان می‌دارد که در کتابخانه دو جزء قرآن به خط حضرت علی (ع) نوشته شده که شاه عباس صفوی بر حرم وقف کرده و نیز چند قرآن که از دیگر امامان در آنجا بوده است. ناصرالدین شاه روز پنج‌شنبه به خواجه ربیع رفته، با گذر از ده و باغ سمرقند به خواجه ربیع می‌رسد. او سپس به طرق می‌رود «از مشهد تا طرق دو فرسخ راه است و طرق دهی است بسیار خوب که وقف حضرت رضا (ع) است و پانصد خانوار جمعیت دارد».



وزیر و شاهنشاهی قاجار/عکس: مرکز موزه ملی ایران

حمام‌ها و کاروان‌سراها و مهمان‌خانه‌ها و خانه‌های صابون‌پزی متعلق به آستان حضرت تاملین می‌شود».

**نظامی انگلیسی در پی چه به مشهد آمد**  
سفرنامه دیگر به سی. ام. مک‌گرگر تعلق دارد که در سال ۱۸۷۵ میلادی به خراسان سفر کرده است. او افسر ارتش انگلیس بوده و به ادعای خود به انگیزه شخصی به این سفر آمده است. این افسر انگلیسی در کتاب خود کوشیده است آگاهی‌هایی سودمند درباره وضع جغرافیایی، راه‌های ارتباطی، روستاها و وضع زندگی روستائین آن زمان به دست دهد. مک‌گرگر در مشهد با راهنمایی فردی به نام عباس خان از دروازه وارد می‌شود «پس از پیچ‌وتاب خوردن در خیابان‌های باریک شهر سراسرتاجم خانه عباس خان که اصرار داشت فعلا مهمان او باشم رسیدیم». او مجبور شده بود پیش از آنچه

می‌خواست است در مشهد بماند، زیرا تعمیر صحن و دیدن مسجد گوهرشاد می‌رود اما صحن و دیدن حرم برایش بسیار مورد توجه بوده است «درخشش دیوارهای صحن از جواهر و انواع کمیاب زینت‌الآتی پوشیده است که شیعیان مخلصی به امام خود هدیه کرده‌اند. ... کسانانی که زیارت‌نامه را حفظ نمی‌کنند و یا نمی‌توانند از روی تابلوهای آویزان بر ضریح بخوانند پشت سر رهبر گروه خود آن را تکرار می‌کنند. ... زائر مشهد پس از زیارت می‌تواند متفخر به نام اول مشهدی شود ... و این امتیاز را خواهد داشت که این عنوان را بر مهر و امضای خود حک کند و یا بعد از مرگش آن را بر سنگ قبرش حک کند». وامبری سپس به تالار ناهرخوری حضرت می‌رود که به زبان محلی «آشپزخانه حضرتی» می‌گویند «آسایش مسافر عمدتاً از درآمد تشکیلات عظیم و

### افضل الملک، تاریخ‌نگار قاجاری و نشانهای از تجدد در مشهد

#### یک روز نامه‌چهن در علم سیاست

«سفرنامه خراسان و کرمان» نوشته غلامحسین افضل الملک، مورخ و نگارنده «تاریخ افضل» در سه مجلد است. او مردی فاضل، ادیب و دانشمند بوده که به عربی و فارسی هم شعر می‌سروده است. «سفرنامه خراسان و کرمان»، دو بخش دارد؛ بخش نخست، به سفر خراسان در سال ۱۳۲۰ قمری مربوط است. او در کتاب اشاره می‌کند که در سال ۱۳۰۱ قمری سفرنامه‌های مفصل به مشهد نوشته است که آن هم مانند سفرنامه نخست ناصرالدین شاه در دسترس نیست.

افضل الملک پس از گذشتن از منزل‌ها و مسافت‌های دراز، گذر از سمنان و شاهرود سرانجام در روز دوشنبه چهاردهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۰ قمری به مشهد وارد می‌شود. این مسافر تهرانی بی‌درنگ به صحن مقدس رفته، زیارتی مختصر انجام می‌دهد. او در مشهد با فضلا، ادیبان و دانشمندانی بسیاری دیدار کرده که یکی از آنها آقا میرزا صادق خان ادیب‌الممالک، مدیر و منشی روزنامه ادب بوده است. روزنامه ادب، در علم سیاست منتشر می‌شد و بسیار مورد توجه بود. از این مطلب چنین دریافت می‌شود که مشهد محل فضلا و دانشمندان در دوره قاجاری و مکانی برای بزرگان ایرانی بوده است، همچنین انتشار روزنامه نیز نکته‌ای قابل توجه به شمار می‌آید. حکیم دانشمند، میرزا محمد کاظم صفوری، ملوک‌الشعراي آستان قدس رضوی از دیگر افراد پرآوازه است که افضل الملک در مشهد از محضر آن‌ها در این سفر بهره برده است. او همچنین با بزرگان ذی‌قدر آقا میرزا داوود بهاء‌التولیه، وزیر وظایف آستان قدس و از اشراف این شهر دیدار می‌کند «در شهر مشهد قهقه‌ای بسیار ممتاز و مجتهدین طراز اولی هستند که یکی از آن‌ها حاجی میرزا حبیب‌زاد سادات حسینی است. دیگر ملاعلی معروف به فاضل است». به روایت نویسنده این سفرنامه، در آن زمان در مملکت خراسان در مشهد شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله فرمانروایی داشته است. افضل الملک اشاره می‌کند از کارهایی که نیرالدوله در زمان حضور او در مشهد انجام داده، خرید قنات میرزا هدایت مجتهد از شرکای میرزا با مخارج بسیار و آوردن آن از بیرون شهر به وسیله مجرای پوشیده آب به صحن مقدس بوده است. نیرالدوله چهار حوض در صحن ساخته که آب در آن‌ها ریخته و سپس به پایین خیابان روان شده است. به نوشته افضل الملک، اهل شهر مشهد باین رخداد، جشن گرفته، شربت و شیرینی صرف کردند و شاعران نامی، قصایدی بسیار در وصف آن سرودند.

### جغرافیدان روس و قلیان‌چی‌های خادرا نگیز

سومین سفرنامه جهانگردان غیر ایرانی، دستاورد سفر نیکولای ولادیمیر خانیکوف است. او یک جغرافیدان روس بود که در سال‌های ۵۹- ۱۸۵۸ میلادی، هم‌زمان با سلطنت محمد شاه قاجار به ایران مسافرت کرد. او مدتی به عنوان سرکنسولگری روس در تبریز اقامت داشت. خانیکوف بسا به کارگیری شیوه‌های علمی به مطالعاتی گسترده دست زد و موقعیت درست بسیاری از نقاط را روی نقشه ایران تعیین و شماری از اشتباهات کاشفان پیش از خود را تصحیح کرد. او همچنین در زمینه نژادشناسی نیز بررسی‌هایی ارزنده انجام داد.

او شهر مشهد را اینگونه توصیف می‌کند که از هر سوی آن را مناطق خشکی دربر گرفته است.

### توصیف‌های نوه فتحعلی شاه از شهر هزار قوم

#### مدرسه‌ها، مساجد و کاروان‌سراها، بسیار!

سفرنامه دیگر به سیف‌الدوله مربوط است. نویسنده این سفرنامه، در صفحه نخست کتاب، خود را چنین می‌شناساند «چنین گوید سیف‌الدوله سلطان محمدبن فتحعلی شاه قاجار» و نیز در چند جای دیگر خود را فرزند فتحعلی شاه می‌خواند. سیف‌الدوله در ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ قمری به سمت نیابت تولیت مقدس رضوی تعیین می‌شود. سیف‌الدوله درباره ساکنان مشهد و اخلاق مردمان آنجا روایت می‌کند «سکنه این شهر گروه مختلف ترک و کرد و غرب و عجم و مروی و هراتی و افغان و کشمیری و همه قسم مردم هستند». او درباره شهر می‌نویسد «در این شهر حمام‌ها و کاروان‌سراها بسیار است. جمعیت شهر بیش از هفتاد هزار نفر است. همه چیز در مملکت خراسان به عمل می‌آید همه قسم میوه و مرکبات و گندم و خرما و جو و برنج همه نوع حبوبات و زعفران و تنباکو و ابریشم و پنبه از خود همین منطقه حاصل می‌شود. در خود مشهد چیزی که وجود ندارد آثار و انجیر است که از ترضیز و سیزوار می‌آورند. خربزه و هندوانه خوبی دارد. ناناش از بهترین نان‌ها است. پنیر و ماست بسیار خوبی دارند. و زرشکی‌پز دانه از تحفه‌های این ملک است».

بخشی از سفرنامه سیف‌الدوله، به توصیف صنایع دستی در مشهد اختصاص یافته است «پارچه‌های ابریشمی را در این شهر خوب می‌فانند. شال‌هایش از شال‌های کشمیر بهتر بافته می‌شود و اینکه دستگاه‌های قالی‌بافی خوبی دارند».

سیف‌الدوله توصیف خود را از مشهد، به بناهایی می‌رساند که موجب رونق شهر شده‌اند «در بالاخیابان و پایین خیابان مدرسه‌ها و مساجد و کاروانسرای بسیار عالی ساخته بودند. مرحوم میرزا جعفر خان در زمان تولیت خودش در بالاخیابان دارالشفای خوبی ساخته است. ... در سمت روبه‌رو مسجد بسیار عالی خوبی است از آجر و سنگ و کاشی موسوم به مسجد گوهرشاد. مدرسه پریزاد مدرسه خوبی است در سمت بالای سسر متصل به حرم. در آن بازار کاشوه می‌شود گفته شده که پرزاد زنی بوده از بستگان گوهرشاد». این شاهزاده خوش‌ذوق قاجاری البته بخش فرهنگی مشهد و حرم رضوی را نیز از نگاه دور نمی‌دارد «کتابخانه معتبر در آستان مقدسه هست اسباب طلا و نقره و جواهر با اینکه در انقلابات مکرر از میان رفته باز در ضریح مطهر و حرم مبارک و خزانه حضرت بسیار است. خدام این آستانه مقدسه از همه قسم هزار نفر می‌شوند که از خزانه حضرت مشاهد و مخارج می‌برند. همه‌شان کارخانه [مشهد] است. خاصه حضرت به خدام حرم ششام و ناهر داده می‌شود و به فقرا زوار هم شام می‌رسد».